

# مهرگان

۷ ژوئیه ۲۰۰۹



## کدو و کودتا!

مرگ بد با صد فضیحت ای پدر  
تو شهیدی دیده‌ای از ک...خر؟

همچنانکه گفتیم مبارزهٔ مسالمت‌آمیز سخت‌ترین راه مبارزه است، چرا که مستلزم «برخورد منطقی»، یا مهار احساسات، به ویژه «خشم»، «نفرت» و «لجبازی» است. در این راستا لازم است خود را در معرض خشونت قرار ندهیم. هدف استعمار از اعمال خشونت، برهم زدن تعادل جامعه از طریق ایجاد اختلال در «تعادل درونی» افراد است. انسان موجودیت «مادی» دارد و طبق قوانین فیزیک به هر کنشی واکنش نشان می‌دهد. کسی که متحمل خشونت می‌شود، حتی اگر بلافاصله واکنش خشن نشان ندهد، «تعادل درونی» خود را از دست داده. و همین «تخریب تعادل» درونی است که کارساز سیاست استعمار می‌شود.

دلیل شکست و افتضاح کودتای ۲۲ خردادماه این است که حزب دمکرات ایالات متحد و محفل کودتای ۲۲ بهمن رابرت گیتس را ندیدند! در واقع دمکرات‌ها خواستند مانند دوران ریاست جمهوری کارتر از طریق جنجال خیابانی یا «انتخابات جمکران» یک کودتای مردمی مشابه ۲۲ بهمن سازمان دهند، ولی فراموش کردند که وزارت دفاع در دست جمهوری خواهان است و رابرت گیتس، وزیر دفاع از حضور در مراسم شصتمین سالگرد تأسیس سازمان ناتو نیز خودداری کرده! به عبارت دیگر حضرات پایان جنگ سرد و فروپاشی سازمان ناتو را نادیده انگاشتند. و نادیده گرفتن این واقعیت کار را به رسوائی حکومت جمکران و اربابان‌اش در واشنگتن کشاند.

آورده‌اند کنیزکی خر خاتون خود را شهوت‌راندن آدمیان آموخته بود و برای اندازه نگه داشتن آلت تناسلی الاغ آنرا از درون کدوئی می‌گذراند. الاغ بینوا هر روز پژمرده‌تر و نزارتر می‌شد. روزی خاتون از روزن در کنیزک را در حال شهوترانی با الاغ مشاهده کرد، ولی به گفتهٔ مثنوی «دقیقهٔ کدو را ندید». خاتون وسوسه شد که از الاغ استفاده «بهینه» کند پس کنیزک را به بهانه‌ای از خانه بیرون فرستاد و «بی‌کدو» به سوی الاغ شتافت اما چون از تمهید کنیزک بی‌خبر بود، حین انجام این عمل ثواب کباب شده، جان سپرد. چون کنیزک باز آمد، نوحه کرد که «ای چشم روشنم [...] کدو را ندیدی؟»

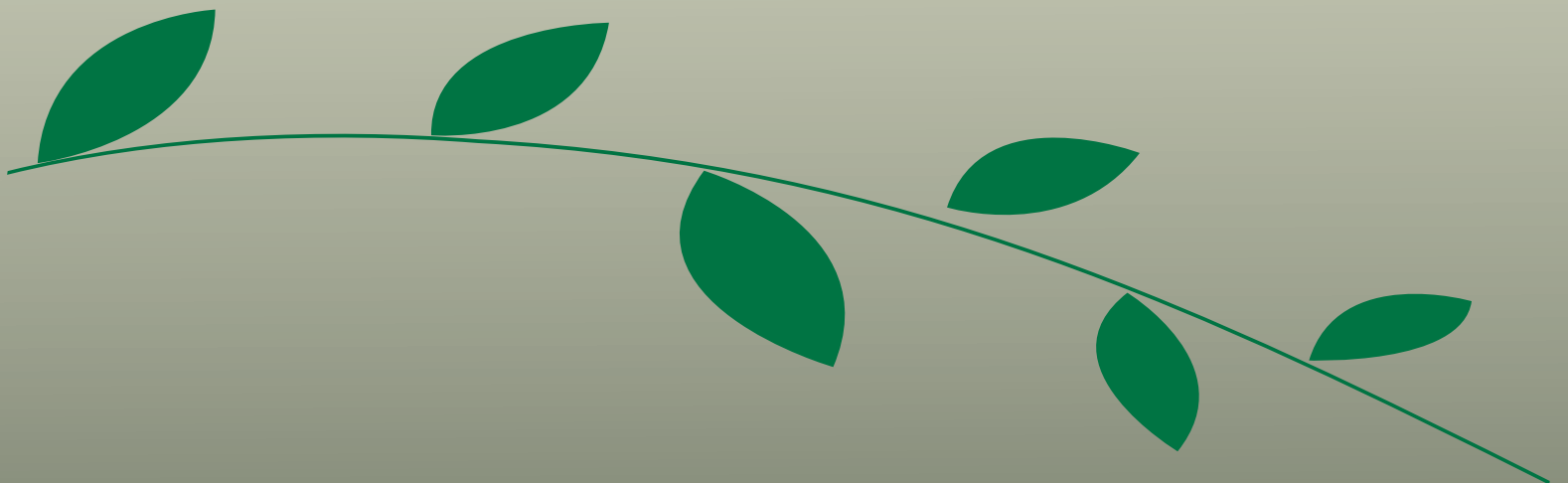
پس کنیزک آمد از اشکاف در  
دید خاتون را بر مرده زیر خر  
گفت ای خاتون احمق این چه بود  
گر ترا استاد خود نقشی نمود  
ظاهرش دیدی سرش از تو نهان  
اوستا ناگشته بگشادی دکان  
یا چو مستغرق شدی در عشق خر  
آن کدو پنهان بماندت از نظر

جنجال هیاهو پیرامون «تقلب» در نمایشات مضحک جمکران همچنانکه گفتیم به دلیل شکست کودتای ۲۲ خردادماه به راه افتاده. اربابان حکومت اسلامی

قصد «توسازی» حکومت جمکران جهت تداوم سیاست دوران کارتر را داشتند، یا خلاصه بگوئیم، عرضهٔ نفت رایگان ایران برای شکستن بهای نفت روسیه در بازار جهانی. رویاهای طلائی حزب دمکرات ایالات متحد، تأمین مشروعیت گسترده برای حکومت اسلامی و بیرون کشیدن میرحسین موسوی از صندوق مارگری را نیز شامل می‌شد. رویائی که به کابوس تبدیل شد. تهدید ایران به تهاجم اسرائیل از زبان جوزف بایدن، معاون اوباما، واکنشی است «منطقی» به شکست کودتا!

یکی از خوانندگان گرامی در مورد «امکان تهاجم نظامی اسرائیل به ایران» نظر نویسندهٔ این وبلاگ را جويا شده‌اند. بهتر است بجای تهاجم نظامی اسرائیل تهاجم نظامی سازمان ناتو را مطرح کنیم، چرا که در کل منطقه حاکمیت مستقلی وجود ندارد که «ارتش مستقل» داشته باشد. دولت اسرائیل همانقدر مستقل است که حکومت اسلامی ایران. ارتش اسرائیل مانند ارتش اعضای اتحاد جماهیرنوکری در منطقه از قاهره تا تهران به طور خاص تحت فرماندهی پنتاگون و به طور کلی تحت نظارت سازمان ناتو قرار گرفته. و اگر تهاجمی از سوی اسرائیل به ایران صورت پذیرد، با تأیید سازمان ناتو و با توافق حکومت اسلامی خواهد بود. چرا که جنگ‌هایی که در منطقه به راه می‌افتد، جنگ‌هایی است استعماری و منافع آن مستقیماً نصیب سازمان ناتو و پادوهای‌اش خواهد شد.

سازمانی که حتی در داخل مرز کشورهای «دوست» خود نیز از جنگ‌افروزی ابائی ندارد. همچنانکه در پاکستان شاهدیم ارتش طالبان پرور پاکستان در درهٔ «سوات» با «طالبان» وارد جنگ شده و این جنگ که تاکنون بیش از ۳ میلیون آواره بر جای گذارده با سکوت کامل رسانه‌های غرب روبرو است. پس هیچ اشکالی ندارد که ناتو یک جنگ خوب هم بین متحدان‌اش در اسرائیل و حکومت اسلامی ایران به راه اندازد. در هر حال اسرائیل نمی‌تواند بدون موافقت پنتاگون، یعنی همان فرماندهٔ ارتش ناتو وارد جنگ شود. اما آنچه اهمیت دارد این است که بدانیم وزارت دفاع آمریکا در دست جمهوری خواهان است، محفلی که گزینهٔ نظامی را منتفی می‌داند؛ تهدیدهای اخیر در واقع از سوی حزب دمکرات مطرح می‌شود که علاقه



دارد حکومت اسلامی را مانند پاکستان به سلاح اتمی مجهز کند تا همزمان با افزایش تنش کاذب بین اسرائیل و حکومت اسلامی، ملت‌های منطقه را تحت فشار گذاشته و دموکراسی هند و به ویژه دولت روسیه را مستقیماً تهدید کند.

هیاهوی اخیر پیرامون تهاجم نظامی به ایران ریشه در اختلافات روسیه و آمریکا دارد. روسیه در مرزهای خود از جنگ استقبال نمی‌کند و پیشتر هم گفتیم اگر تا امروز علیرغم تلاش حکومت اسلامی جمکران و اربابان‌اش در غرب کشورمان مورد تهاجم نظامی قرار نگرفته فقط به دلیل فشار روسیه بر آمریکاست.

«توهم استقلال» اسرائیل و حکومت اسلامی داستانی است که توسط اربابان‌شان در غرب ساخته و پرداخته شده. چرا که این استقلال پوشالی، به ویژه در مرزهای روسیه امروز و مرزهای اتحاد جماهیرشوروی سابق کارساز استعمار بوده و ملت ایران و دیگر مردم منطقه را به سپر بلای آنگلو ساکسون‌ها تبدیل می‌کند. پیشتر در این مورد مفصلاً توضیح داده‌ایم پس بحث را به بررسی کلی مقاطع سرنوشت‌ساز سده اخیر محدود می‌کنیم. پس از انقلاب اکتبر و شکست جنبش مشروطه، کودتای کلنل آبرون‌ساید ایران را به کشوری «مستقل» تبدیل کرد. کشور مستقلی که برای پشتیبانی از شاخه دوم سیاست انگلستان در مرزهای شوروی ایجاد شد. همچنانکه حکومت اسلامی نیز برای پشتیبانی از طالبان به وجود آمد.

هدف این سیاست‌ها سرکوب ایرانیان و تشویق سرکوب در داخل مرزهای اتحاد جماهیر شوروی بود. سیاستی که نهایت امر به اشغال نظامی افغانستان، جنگ ایران با عراق و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی انجامید و طی سال‌های اخیر جنگ را به درون مرزهای روسیه کشانده، و هنوز هم «تغییر» چشم‌گیری در این سیاست دیده نمی‌شود. با اینحال سیاست فوق در چارچوب روند خود به نوعی «توهم استقلال» نیز دامن می‌زند و می‌بینیم که حکومت اسلامی از روند گسترش این «توهم» مستثنی نشده؛ این حکومت برخی اوقات خود را «رقیب روسیه» نیز می‌انگارد!

مهم‌ترین هدف استعمار از ایجاد این «رقابت موهوم»، بحران‌سازی در منطقه خلیج فارس، پائین نگاه داشتن بهای «تمام‌شده» نفت برای صنایع غرب از

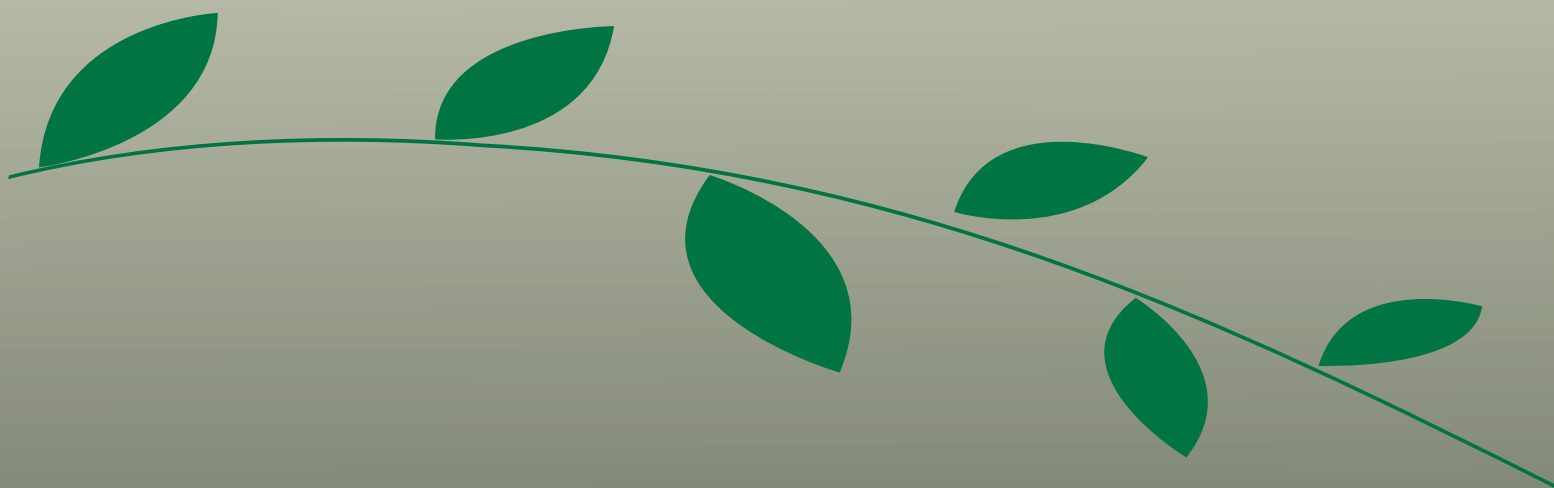
طریق تزریق درآمدهای نفتی کشورهای منطقه در زرادخانه‌های ارتش‌های دست‌نشانده بوده. طی دهه‌ها دولت‌های اسرائیل، ایران، عربستان و ... تحقق هدف فوق را به بهترین وجه امکانپذیر کرده‌اند. در دوره «انقلاب» اسلامی مجری این سیاست استعماری همانطور که دیدیم «محفل جنگ ۸ ساله»، همین دارودسته میرحسین موسوی بود. اینجاست که به ارتباط این «دارودسته» با اهداف واقعی کودتای ۲۲ خردادماه بهتر پی می‌بریم.

دمکرات‌ها رویای «سرفرازی» حکومت طالبان جمکران و نفت رایگان در سر می‌پروراندند، به همین دلیل روز ۲۲ خردادماه را برای چنین کودتائی مناسب تشخیص داده بودند، چرا که می‌پنداشتند عدد ۲۲ برای‌شان شانس می‌آورد. کودتای قبلی را هم در ۲۲ بهمن‌ماه به ثمر رسانده بودند. خلاصه همه چیز به خوبی و خوشی پیش می‌رفت. از نخستین ساعات ۲۲ خردادماه رسانه‌های استعمار غرب به دمیدن در شیپور «استقبال گسترده ایرانیان» از «انتخابات» مشغول شده. با انواع و اقسام «طرفداران» حکومت اسلامی مصاحبه‌های گرم و نرم ترتیب می‌دادند، و خلاصه طبق جنجال رسانه‌ای «همه» طرفدار موسوی بودند!

ای بسا سرمست نار و نارجو  
خویشتن را نور مطلق داند او  
[...]

صد هزاران نام خوش را کرد ننگ  
صد هزاران زیرکان را کرد دنگ

البته ما پیش از برگزاری مسابقات مارگیری بارها در مطالب این وبلاگ گفتیم، کسی در مراسم مهوع حکومت شرکت نخواهد کرد، چون اکثریت مردم ایران از این حکومت جنایتکار بیزارند. در هر حال زمانیکه دروغ بزرگ «شرکت ۴۰ میلیون نفر» در مسابقات مارگیری به خورد افکار



عمومی در غرب داده شد، کاشف به عمل آمد که اکثریت در این «دروغ بزرگ»، طرفدار احمدی نژادند و موسوی باید با سازمان دادن تظاهرات «خودجوش» خیابانی «مردم» یا پاسدارهای کودتاچی را برای «شکار شهید» وارد صحنه کند تا با برگزاری مراسم سوگواری همچنان تعداد «شهدا» را افزایش دهد. اشکال کار گورکن‌ها این بود که بجز عملاً تحکیم وحدت و دارودسته اصلاح‌طلبان، کسی وارد این بازی مهوع نشد.

فعل آتش را نمی‌دانی تو برد  
گرد آتش با چنین دانش مگرد  
چون ندانی دانش آهنگری  
ریش و مو سوزد چو آنجا بگذری

این است دلیل «انسان‌دوست» شدن سه شیخ پلیدی: هاشمی، خاتمی و کروبی که خواهان آزادی «بازداشت‌شدگان» تظاهرات غیرمجاز شده‌اند. خواست اینان در واقع آزادی چماق‌کش‌های «خودی» است! با بقیه مردم کاری ندارند. در واقع کار حضرات به رسوائی کشیده چرا که میرحسین موسوی نتوانست «جنبش مدنی» را به نام خود به ثبت برساند و فعلاً برای تداوم جنجال «حلقه پاک» به راه انداخته، و با گروه کارگزاران و دیگر «فاشیست - مسلمان‌ها» به شاخ و شانه کشیدن برای رهبر مفلوک جمکران مشغول است. می‌بینیم که قوه قضائیه جمکران هم هیچ مزاحمتی برای محفل کودتا فراهم نمی‌آورد، همه از اعضای طایفه آب‌منگل‌ها به شمار می‌روند. کودتای ۲۲ خردادماه و تظاهرات آب‌منگل‌ها فقط برای عقب‌راندن ما، مخالفان واقعی این حکومت و به سکوت کشاندن جنبش مدنی صورت پذیرفت. و همچنانکه دیدیم در این تلاش شکست خوردند، چون برخلاف دوران شیرین ریاست جمهوری جیمی کارتر، پنتاگون در دست حزب دمکرات نیست. در نتیجه بهای شکست را جناح هیلاری کلینتون می‌باید پرداخت کند، جناحی که علاقه فراوانی به ریش و نعلین و سازمان دادن به کودتاهای «به نام خدا» دارد.

نفس ما را صورت خر بدهد او  
ز آنک صورت‌ها کند بر وفق خود

امروز «زلایا»، رئیس جمهور قانون‌شکن هندوراس برای ملاقات با هیلاری کلینتون راهی ایالات متحد شد! روز گذشته همین فرد، «به نام خدا» از ارتش هندوراس می‌خواست حقوق مردم را رعایت کند! بهتر است طایفه آب‌منگل‌ها هم اینبار پیش از «اشغال خیابان‌ها» و عربده‌جوئی و چاقوکشی جهت «صیانت از حقوق مردم» و دیگر دروغ‌های شاخدار «دقیقه کدو» را به درستی دریابند که «در» خواهند یافت!

آن کنیزک می‌شد و می‌گفت آه  
کردی ای خاتون تو استا را به راه  
کار بی‌استاد خواهی ساختن  
جاهلانه جان بخواهی باختن

